

بنیان‌های تاریخی کردان

عبدالله مرادعلی بیگی

با توجه به این که بررسی به عمل آمده از مسأله کرد در شماره اخیر آن مجله محترم، جدا از وابستگی تباری، فرهنگی، تاریخی و سرزمینی کردها با دیگر ایرانیان به عمل آمده بود، شرح کوتاه زیر تقدیم می‌گردد:

علمای تاریخ و نژاد بر استواری این رأی که تیره‌های «کرد» از اصیل‌ترین تیره‌های ایرانی هستند اتفاق نظر دارند.

به عقیده زبان‌شناسان، زبان کردی با لهجه‌های گوناگون آن، ضمن آن که خود یکی از فروع زبان کهن ایرانی است، با فارسی رایج، در الفاظ و معانی، قرابت و پیوستگی بی‌مانندی دارد. به طوری که پیش‌تر واژه‌های دو زبان، هم در ریخت لفظ و هم در ساخت معنی، از یک ریشه‌ی مشترک مشتق می‌گردند. از سوی دیگر آن دسته از واژگان باستانی که در زبان کردی به کار می‌رود، میان دیگر تیره‌های ایرانی، چونان گیل، تات، پشتون، تاجیک و... هم چنان بکارگفتار می‌آید.

آیین‌های ایرانی، مانند نوروز، مهرگان، و سده، میان کردان باشکوه بی‌مانندی برپا می‌گردد و از تقدس ویژه برخوردار است تا امروز هم در میان گروه‌های بزرگی از کردان که به فرقه‌های کهن دینی این سرزمین منسوبند، ردپای بسیاری از باورهای «معانی»، «مزدکی»، «زروانی» و «مانوی» دیده می‌شود که نمادی از اعتقاد مشترک باستانی آنان یا کیش‌های ملی ایرانی می‌باشد.

از این گذشته روایات تاریخی، طایفه مغان، نگهبان دین باستانی ایران را از قوم ماد، یعنی از تیره کردان معرفی می‌کنند. وجود آتشکده‌ی بزرگ «آذرگشنسب» در تخت سلیمان که آتش مقدس آن بیش از هزار سال خاموشی نگرفت، این نظر را تقویت می‌کند.

به گواهی تاریخ از همان آغاز که سرنوشت مشترک و تاریخی اقوام ایرانی رقم‌زده می‌شود، کردان نقش بنیادینی در شکل‌گیری محتوم آن داشته‌اند. چنان‌که در جنبش بزرگ ایرانی نژادان آریایی برای جای‌گیری در بخش‌های باختری و جنوبی فلات ایران، کردان به همراه پارسیان پیش‌آهنگ دیگر ایرانیان بوده‌اند. دولت بزرگ ماد که نخستین دولت ایرانی پایه‌گرفته بر فلات ایران بود، «کرد» شمرده می‌شد. زیرا که مادها، اسلاف کردها هستند. کورش که توانست آرمان مادها را تحقق بخشد و فلات ایران را به زیر یک پرچم درآورد، از سوی مادر نسبت به کردان می‌برد. اردشیر بابکان بنیان‌گذار دولت بزرگ ساسانی که نسبت به بازرنگیان، گردتبار به شمار می‌آمد.

روایت‌های تاریخی به روشنی می‌نمایاند که طایفه‌ی «بازرنگیان» فارسی از تیره کردان آن سرزمین بوده‌اند، همان‌گونه که طایفه‌ی شبان‌کاره هم که از اواخر دوره‌ی آل بویه طی چند

قابلیت نصب روی هلی‌کوپترهای جنگی، فروش موشک‌های پیشرفته‌ی موسوم به P.T.P.T.I تنها جزئی از همکاری‌های اسرائیل و ترکیه هستند.

هم‌اکنون نیز یک پیمان امنیتی، موسوم به پیمان امنیتی خاورمیانه در حال شکل‌گیری است. در قالب این پیمان، ترتیبات امنیتی جدیدی اتخاذ می‌شود. به این صورت که از آذربایجان در قفقاز شروع می‌شود، از ترکیه واردن می‌گذرد، اسرائیل رادر می‌نوردد و دست آخر، در آفریقا به مراکش ختم می‌شود.

با همه‌ی این احوال مردم کرد، به صورت سنتی فکر می‌کردند اسرائیل یکی از مدافعین آن‌هاست. اما دستگیری اوچالان مهر مردودی بر این رأی نهاد.

◇ جریانات اخیر چه تأثیری بر سرنوشت کردهای ترکیه خواهد داشت؟

اوچالان، مسأله‌ی کردها را یک مسأله‌ی بین‌المللی کرد. با اعدام کردن او، ملان از او یک مسأله‌ی ملی می‌سازند. اگر هم زنده نگه دارند باز مسأله‌ی کردها حل نشده باقی می‌ماند. البته ترک‌ها فراتر از این فکر می‌کردند؛ مخصوصاً نظامیان این کشور. در حال حاضر اوچالان به یک رهبر «کاریزماتیک» تبدیل شده است. نظامیان هنوز P.K.K را یک گروه تروریست معرفی می‌کنند. اما تظاهرات عمومی و سراسری کردها در جهان از روسیه گرفته تا اروپا، خودسوزی‌ها، اعتصاب غذاها و... همه نشان می‌دهد که P.K.K در قلب مردم کرد جای دارد.

پس همان‌طور که با دستگیری مرد شماره‌ی ۲، P.K.K مسأله حل نشد، با موضوع اوچالان هم مشکل هم چنان برقرار خواهد ماند.

◇ واکنشی که کردهای ساکن ترکیه نسبت به دستگیری اوچالان چگونه بود؟

ششمین کسنگری P.K.K، چند روز قبل از دستگیری اوچالان در شمال عراق تشکیل شد. در این کنگره از حزب دمکراسی خلق ترکیه H.A.D.E.P در انتخابات ۱۸ آوریل حمایت شد. همان حزبی که دادگاه قانون اساسی ترکیه، آن را به جرم همکاری با کردها، به محاکمه فراخواند. اوچالان را شدیداً حمایت کردند. این‌ها اعلام نمودند که روابط آن‌ها با حزب دمکرات کردستان عراق و شخص بارزانی رو به بهبود است و اروپا را به سبب اخراج اوچالان و عدم اعطای پناهندگی به وی، به شدت نکوهش کردند.

ملا مصطفی بارزانی

با اعلام این نظر که

«هر کجا کرد زندگی می‌کند

آن جا ایران است»

همواره بر پیوند

ناگسنتی تاریخی و نژادی کردان

با دیگر ایرانیان

تأکید داشت

سده در قسمتی از سرزمین فارس صاحب قدرت و شوکت بودند، از تبار گردان فارس به‌شمارند. تیره‌ی ایرانی نژاد گرد در طول تاریخ نه تنها سرنوشت مشترک با دیگر تیره‌های ایرانی نژاد فلات ایران داشته، بلکه در دوره‌هایی از زندگی ملت ایران با بردوش کشیدن رسالت راهبری جامعه‌ی بزرگ اقوام ایرانی، توانسته شکوه‌مندترین دوران سرفرازی تاریخ ایران را نیز پدید آورد. کشش‌های تاریخی این سرنوشت مشترک سبب شده است که حتا در دوران تجزیه‌ی سرزمین‌های گردنشین از ایران (چه به هنگام تسلط جبارانه‌ی امپراتوری عثمانی و چه در زمان حکومت غاصبانه‌ی دولت‌های مخلوق استعمار بر این سرزمین‌ها)، فریاد آزادگی‌بخش وحدت‌خواه مردم گرد برای پیوند با میهن بزرگ جامعه‌ی اقوام ایرانی خاموشی نگیرد.

امپراتوری عثمانی، از زمره حکومت‌هایی بود که پس از حکومت‌های تازیان، «دین» را ابزار کشورگشایی و سرکوب ملت‌ها و اقوام دیگر قرار دارد. به گفته‌ی: «فردوسی» زیان کسان از پی سود خویش بجویند و دین اندر آرند پیش

در این میان، تنها مانع برابر به بردگی کشاندن ملت‌ها به نام دین از سوی امپراتوری عثمانی، ملت ایران بود. از این رو، امپراتوری مزبور نه تنها با ملت ایران بلکه با همه‌ی وابستگان نژادی و فرهنگی ملت ایران، در ستیز بود. قتل عام مکرر شیعیان و سرکوب بی‌وقفه کردها، از چنان دشمنی‌ها ریشه می‌گرفت. در سال‌های آغازین جنگ جهانی اول، «ترک‌های جوان» در صحنه‌ی سیاسی امپراتوری عثمانی، پدیدار شدند. تداوم اندیشه‌ی آنان در قالب «حکومت کنونی ترکیه» موج تازه‌ای از دشمنی و تهاجم بر ضد تیره‌های وابسته به ملت ایران را در پی داشت.

بدین‌سان، در آستانه‌ی فروپاشی امپراتوری عثمانی و زایش حکومت ترکیه، «شوونیسیم نژادی» جای‌گزین «شوونیسیم مذهبی» شد. نماد این سیاست تهاجمی نژادگرایانه، جعل اندیشه‌ی «پان‌ترکیسم»، از سوی ترک‌های جوان بود که تا به امروز نیز همه‌ی حکومت‌های حاکم بر ترکیه، میراث خونین آن را به دوش می‌کشند. اگر در گذشته، امپراتوری عثمانی «دین» را ابزار سرکوب قرار داده بود، دولت‌های ترکیه در قالب اندیشه‌ی نژادگرایانه، سیاست قوم‌کشی و پاک‌سازی نژادی را به مورد اجرا گذارده‌اند.

از آشکارترین تظاهرات سیاست مزبور، قتل عام بیش از ۱/۵ میلیون از هم‌فرهنگان، هم‌تاریخان و هم‌ریشگان ارمنی ما در ۲۴ آوریل ۱۹۱۵ (پنج‌شنبه اردی‌بهشت ماه ۱۲۹۴ خورشیدی) و کوشش در زدودن هویت اصیل کردها، زیر نام «ترکان کوهستانی» است. در آغاز، برخورد کردهای سرزمین‌های تجزیه شده برابر تبلیغات و اقدامات نژادگرایان «ترک»، شکل فرهنگی - سیاسی داشت. بدین‌سان کوشش بر این بود تا بیش‌تر بر هویت تاریخی و ایرانی و آریایی کردها تاکید شود. اما به زودی با افزایش فشار توام و کشتار و خشونت برای «ترک ساختن» کردها و گردستان،

مقاومت‌ها عمق بیش‌تری یافت. بدین‌سان مبارزه برای دفاع از حقوق تاریخی و نژادی گرد، به صورت خیزش‌های مسلحانه در گوشه و کنار گردستان، ظاهر شد. مبارزات مسلحانه «سعیدهرتوشی» و «عبدالقادر نقش‌بندی» از اقطاب فرقه نقش‌بندی در اواخر دوران عثمانی را می‌توان از مهم‌ترین هسته‌های اولیه‌ی این مقاومت و خیزش مسلحانه نام برد.

به دنبال فروپاشی امپراتوری عثمانی در پایان جنگ جهانی اول و ایجاد حکومت‌های به اصطلاح عربی از سوی استعمار انگلیس و فرانسه بر پهنه‌ی متصرفات امپراتوری مزبور در خاورمیانه، دامنه‌ی تجاوز بر کردها نیز گسترش یافت. این بار در کنار عنصر ترک، عنصر عرب نیز دست‌اندرکار اجرای «سیاست سرزمین سوخته» و «نسل‌کشی» کردها شد. برابر شدت یافتن «گردستیزی»، دولت‌های استعمارگر و حکومت‌های دست‌نشانده‌ی آنان، مقاومت‌های رخس و نبرد مسلحانه کردها نیز به سرتاسر گردستان اشغالی گسترده شد.

در میان رستاخیز آزادگی‌بخش ایرانی نژادان گرد در قلمرو کشور استعمار ساخته عراق به سبب پیوندی که از آغاز با مبارزات ضداستعماری شاخه دیگری از وابستگان فرهنگی ایران یعنی شیعیان آن سرزمین داشت، از برجستگی ویژه‌ای برخوردار می‌باشد. خیزش‌گران «گرد» و قیام‌گران شیعه (دوشاخه‌ی نژادی و فرهنگی وابسته به ملت بزرگ ایران)، در مواقع بسیار و با هم‌آهنگ کردن مبارزات بر ضد استعمار انگلیس و حکومت دست‌نشانده‌ی بغداد، قیام‌های عمومی و فراگیری را در سرتاسر عراق برپا کردند. چنان‌چه به هنگام قیام شیعیان در اوایل شهریور ۱۳۰۱ خورشیدی بر ضد دولت استعمارگر انگلیس و حکومت دست‌نشانده‌ی آن در عراق که شهرهای مذهبی میان رودان و نیز شهر بغداد را فراگرفت، «شیخ محمود برزنجی» از اقطاب بزرگ فرقه قادری برای کاستن از فشار نیروهای مشترک انگلیس و عرب بر قیام‌گران شیعه، سرتاسر گردستان واقع در قلمرو عراق را بر علیه آنان شورانید بدین‌سان، قیام علیه سلطه‌ی ظالمانه‌ی استعمار، سرتاسر عراق را دربرگرفت. مبارزان «گرد» در این نبردها، ضربات سختی بر نیروهای مشترک انگلستان و عرب وارد ساخت و شهرهای گردنشین بسیاری را از اشغال آنان خارج کردند. شیخ محمود برزنجی در مناطق آزاد شده‌ی گردستان آن سوی مرز، حکومت «آریایی گرد» را اعلام داشت. اگرچه دولت انگلیس پس از مدت‌ها و با تحمل تلفات بسیار توانست به کمک نیروهایی که از هندوستان آورده بود، قیام عمومی مردم میان رودان را سرکوب کند، اما اقتدار استعمار انگلیس با این قیام دچار آسیب فراوان گردید و از هیبت و قدرت آن نه تنها در «میان رودان» بلکه در شبه قاره هند نیز کاسته شد.

با آغاز جنگ جهانی دوم، هماهنگی میان جنبش «گرد» و نهضت شیعیان به صورت قیام‌های گسترده و عمومی بر علیه نیروهای انگلیس و حکومت زاده‌ی استعمار در میان رودان نمایان شد. بر اثر این قیام‌ها و پشتیبانی عمومی مردم، رشیدعالی گیلانی در هجدهم فروردین ماه ۱۳۱۹ خورشیدی (۷ آوریل ۱۹۴۰ میلادی)، قدرت را در عراق به دست گرفت. سران حکومت دست‌نشانده‌ی بغداد از عراق گریختند،

مهم گردنشین قلمرو حکومت عراق عبارتند از: روانداز، حلبچه، سلیمانیه، کرکوک، موصل و...

پ - در قلمروی جمهوری سوریه: بیش تر کردهای ساکن در سه بر مرزی عراق، ترکیه و سوریه و هم چنین در اطراف دمشق ساکن هستند. جمعیت کردهای ساکن کشور مزبور حدود ۱/۵ میلیون تن برآورد می گردد که کمابیش ۹ درصد کل جمعیت کشور مزبور را تشکیل می دهد. بخش قابل ملاحظه ای از ساکنان بلندی های گلان (حلان) نیز گرد هستند.^۶

ت - جمهوری ارمنستان: جمعیت کردهای ساکن قلمرو ارمنستان که بیش تر در بخش های خاوری جمهوری مزبور ساکن اند، کمابیش ۲۵۰ هزار تن برآورد می گردد. جمعیت این جمهوری در سال ۱۹۹۳ برابر با ۳۷۳۰۰۰۰ تن برآورد گردیده است.^۷

ث - جمهوری آذربایجان (اران): کردها ساکن این جمهوری در منطقه «لاچین» قره باغ متمرکز هستند و جمعیت آنان حدود ۲۶ هزار برآورد می گردد.

ج - جمهوری خودمختار نخجوان: در بخش شمال غربی جمهوری خودمختار مزبور، حدود ۲۵ هزار تن گرد زندگی می کنند. جمعیت نخجوان در سال ۱۹۹۵ حدود ۳۰۶ هزار تن برآورد گردیده است.^۸

چ - لبنان: بیش تر کردهای ساکن لبنان در بخش شمال باختری بیروت ساکن اند و جمعیت آنها حدود ۱۰۰ هزار تن برآورد می گردد. جمعیت کشور مزبور در سال ۱۹۹۵ برابر با ۴ میلیون تن برآورد گردیده است.^۹

ح - جمهوری ترکمنستان: کردها در این جمهوری نخواستند پراکنده اند. در برگ های هویت جمهوری مزبور، ایرانیان و ایرانی نژادان را بیش تر زیر عنوان «گرد»، رده بندی می کنند. جمعیت کردهای ساکن جمهوری ترکمنستان، با تعریف بالا، بیش از ۵۰۰ هزار تن برآورد می شوند. البته هم چنان چه گفته شد، در این آمار بیش تر ایرانیان، مردم اران و... را نیز در بر می گیرد.

دولت انگلیس با بهره گیری از نیروهای مستقر در اردن و پایگاه های هوایی خود در عراق، پس از نبردهای خونین بسیار، سرانجام قیام را سرکوب کرد. اما میان رودان و به ویژه مناطق گردنشین این سرزمین هم چنان ناآرامی باقی ماند.

گردان ساکن شمال عراق، در سال ۱۳۱۹ خورشیدی (۱۹۴۰ میلادی) برای ادامه ی مبارزه، حزب هیوا (امید) را بنیان گذاردند. اما کمونیست ها در جریان جنگ دوم، متحد انگلیس ها بودند، با نفوذ در صفوف حزب «هیوا» سبب انشعاب این حزب شدند. پس از این ناکامی، گروه های مبارز کرد و برخی عناصر ناسیونالیست جدا شده از حزب هیوا، تشکیلات جدیدی را به نام حزب رزگاری (آزادی) سازمان دادند. در سال ۱۳۲۵ خورشیدی گروه های فعال دو حزب رزگاری و «هیوا» برای تشکیل جبهه ای واحد، در همایشی گرد هم آمده و «پارت دموکرات گردستان» (آن سوی مرز) را، بنیاد نهادند.

همایش به اتفاق آراء ملامصطفی بارزانی رهبر جنگ جویان کرد را که در آن هنگام در حال نبرد با نیروهای حکومت بغداد بود، به عنوان دبیرکل حزب جدید برگزید. در بیانیه ای این همایش، دفاع از حقوق تاریخی و نژادی تمامی ایرانی نژادان و وابستگان فرهنگی آنان در عراق، آرمان مبارزاتی پارت دموکرات گردستان اعلام گردید. به دنبال کنگره ی مزبور، روزنامه خبات (کوشی) به عنوان ارگان رسمی و تئوریک پارت دموکرات گردستان (آن سوی مرز)، مبارزه علیه حکومت بغداد و سیاست های تبعیض نژادی، فراگیرتر شد. رستاخیز گردستان (آن سوی مرز) علی رغم همه توطئه ها و کارشکنی های دشمنان به پیروزی بزرگی در بعد نظامی و سیاسی دست یافت و توانست حقانیت خود را در داخل و خارج عراق بر همگان آشکار کند.

ملا مصطفی بارزانی با اعلام این نظر که «هر کجا گرد زندگی می کند، آن جا ایران است» همواره بر پیوند ناگسستنی تاریخی و نژادی گردان با دیگر ایرانیان تاکید داشت.

مجموع جمعیت گرد در آن سوی مرزها، میان ۱۹/۶ تا ۲۱ میلیون تن برآورد می گردد.^{۱۰}

الف - در قلمروی جمهوری ترکیه: کردهای ساکن قلمرو جمهوری ترکیه، در نشریات آماری و مکاتبات رسمی دولت ترکیه به عنوان «ترک های کوهستانی»^{۱۱} نام برده می شوند.

جمعیت کردهای ساکن ترکیه میان ۱۴/۴ - ۱۵/۳ میلیون تن برآورد می گردد. این رقم کمابیش ۲۳/۶ - ۲۵ درصد از کل جمعیت کشور مزبور را در بر می گیرد.^{۱۲} کردها در ده استان ترکیه، واقع در خاور و جنوب خاوری کشور مزبور، دارای اکثریت هستند. شهرهای وان، دیاربکر، ارض روم، تپلیس و... در حوزه ی سرزمین های گردنشین قرار دارند. در آمارهای رسمی دولت ترکیه، ارقام واقعی مربوط به جمعیت کردها، منتشر نمی گردد و در بیش تر نشریات آماری ترکیه، نام «گرد» به چشم نمی خورد و از آنان به نام «ترک های کوهستانی»، نام برده می شود.^{۱۳}

ب - در قلمروی جمهوری عراق: جمعیت کردهای ساکن حکومت عراق که بیش تر در شمال کشور مزبور متمرکزند، حدود ۵/۶ میلیون تن برآورد می گردد.^{۱۴} این جمعیت ۲۶/۵ درصد از کل جمعیت کشور مزبور را در بر می گیرد.^{۱۵} شهرهای

پی نویسی

۱. بر پایه ی منابع گوناگون.

۲. جمعیت ترکیه از سری آمارنامه Welt Almanach 98 برای سال ۱۹۹۵ برابر با ۳۱ میلیون نفر برآورد شده است.

۳. برآورد جمعیت کردهای ساکن کشور مزبور بر اساس آمارهای گوناگون، انجام شده است.

۴. بر پایه برآوردهای گوناگون از منبع های مختلف، حکومت عراق هیچ می کوشد که شمار گردان ساکن کشور مزبور را کمتر از واقع نشان دهد. بی گمان می توان اندیشید که شمار کردهای ساکن عراق، بیش تر از رقم آورده شده است.

۵. جمعیت کشور عراق بر پایه ی Welt Almanach 98 برای سال ۱۹۹۵ برابر با ۲۰ میلیون تن برآورد گردیده است.

۶. جمعیت سوریه بر پایه ی آمار منبع بالا در سال ۱۹۹۵ برابر با ۱۲ میلیون برآورد گردیده است.

۷. همان منبع.

۸. منابع گوناگون آمار جمعیت در سطح جهانی.

۹. Welt Almanach 98.